

برای انسانها در نظر گرفته شده به خوبی مورد عمل قرار گیرد.

از دیدگاه امام علی (ع) مسلمانان در جامعه اسلامی با یکدیگر برادر بوده و میان آنها حقوق و تکالیفی وجود دارد: «ولأخیک علیک مثل الذی لک علیه^۱؛ هر حقی تو به گردن برادرت داری، او هم به گردن تو دارد». از سوی دیگر، حضرت معیار جامعی برای انتخاب رفتار مناسب و شایسته در برابر سایر برادران دینی به دست می‌دهد که انسان با به کار بستن آن می‌تواند جامعه اسلامی را به گلستان ابدی تبدیل نماید، و با داشتن این قاعده کلی، دیگر نیاز چندانی به تعیین مصادیق در برخوردهای اجتماعی باقی نمی‌ماند. حضرت می‌فرماید: «ای کلمه حکم

تربیت اجتماعی در جایی تصوّر می‌شود که برای انسانهای دیگر در اجتماع، حقوق و تکالیفی در نظر گرفته شود. زیرا «تربیت» فرایندی است که در بُعد اجتماعی هدفش تسهیل عمل به وظائف اجتماعی در مقابل سایر انسانها و موقعیت‌های اجتماعی است. بنابراین لازمه یک نظام تربیت اجتماعی منسجم، در نظر گرفتن حقوق متقابل افراد انسانی، در جامعه می‌باشد و این نظام باید بتواند با ساده‌ترین روشها مترتبان خود را به حقوق اجتماعی یکدیگر آشنا ساخته و رفتار مطابق آنها را درخواست نماید.

تمامی مکاتب الهی و بشری این اصل را پذیرفته‌اند که در صورتی می‌توان به جامعه نظم و ثبات بخشید که حقوق و تکالیفی که

چگونه

جامعة ان تحب للناس ما تحب لنفسك و
تكره لهم ما تكره لها.^۲ چه سخن حکیمانه
جامعی است که هر چه برای خود می‌خواهی،
برای مردم نیز همان را بخواه و آنچه برای
خود نمی‌پسندی، برای آنان نیز نپسند.»

اهداف تربیت اجتماعی

هدف از تربیت اجتماعی چیست؟ مریبان
از تربیت اجتماعی کودکان و نوجوانان در پی
چه مقصودی هستند؟

برخی هدف از تربیت اجتماعی کودک را
در وهله اول، ایجاد آمادگی برای انطباق با
محیط اجتماعی می‌دانند.^۳ عده‌ای به طور
مفصل برای «تربیت اجتماعی» اهدافی را به
شرح ذیل بیان کرده‌اند:

۱. رعایت حقوق همه انسانها و مراعات
انصاف در برخورد با آنان.

۲. ایجاد روابط مهرآمیز و همراه با گذشت
و فداکاری و ایثار با دیگر مؤمنان و مسلمانان.
۳. تکریم مؤمنان و بالأخص دانشمندان و
فقه‌های اسلام.

۴. تقویت روحیه خدمت و اهتمام به امور
مسلمانان.

۵. تقویت روحیه تعاون در کارهای خیر و
تقوا و تکافل اجتماعی.

۶. ایجاد روحیه تفاهم و برادری میان
مؤمنان و مسلمانان و تحکیم روحیه
مساوات‌خواهی.

۷. تقویت سعه صدر در معاشرت و ایجاد
روحیه همفکری و شور و تبادل نظر.

۸. پرورش روحیه عدالت‌خواهی و داوری
به حق و پذیرش آن، هر چند به زیان شخص
و بستگانش باشد.

۹. تقویت احساس تعهد نسبت به هدایت
و رشد و آگاهی دیگران.

۱۰. ایجاد روحیه ستیز در برخورد با
ستمکاران در حد عدل اسلامی.

۱۱. تلاش برای اصلاح ذات‌البین و رفع
اختلاف بین مسلمانان.

۱۲. ایجاد روحیه دعوت به خیر و توصیه
به حق و توصیه به صبر.

۱۳. شناخت معروف و منکر و پذیرش
مسئولیت امر به معروف و نهی از منکر.

۱۴. تعظیم شعائر اسلامی و تحکیم
موقعیت مساجد و جماعات و مراکز عبادی و
دینی.

۱۵. ایجاد عادت به نظم و انضباط در
همه مناسبات فردی و اجتماعی.^۴

به نظر می‌رسد که تربیت انسانی
نمی‌تواند در تمامی ابعادش (از جمله تربیت
اجتماعی) در نهایت، اهدافی متفاوت با خلقت
انسان داشته باشد. خداوند در مورد هدف
آفرینش می‌فرماید: ﴿و ما خلقت الجن و
الانس الا ليعبدون﴾^۵؛ و ما جن و انس را
نیافریدیم جز آن‌که خدا را عبادت نمایند.

برخی عبادت را به معنای «شناخت»



تفسیر کرده‌اند.

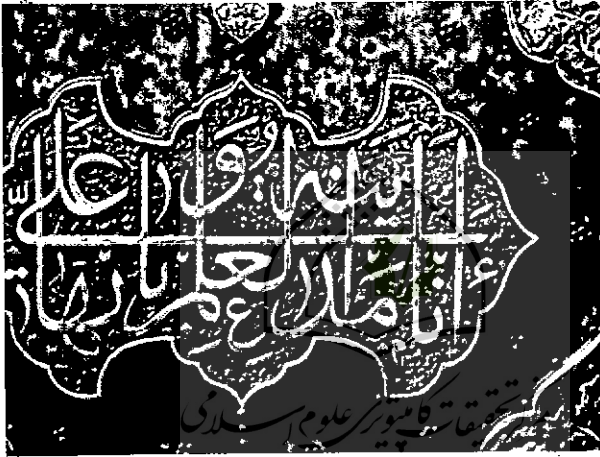
اهتمام به امور دیگران و.... می‌بایست در مسیر «اطاعت فرمان الهی» صورت گیرد.

به هر حال، نظام واحد نیازمند به هدف واحد برای اجزا و عناصر خویش می‌باشد و هدف واحد تمامی انواع تربیت‌ها می‌بایست به «عبادت و شناخت» خدا منجر شود. بر همین مبنا و اساس، هدف از تربیت اجتماعی در نهایت، «قرب الهی» است هر چند اهدافی

تربیت اجتماعی نوجوانان

پس از بیان کلیات و مقدماتی که در تبیین و تشریح مطالب اصلی، نقش به سزایی دارند، در این قسمت به بیان دیدگاه‌ها و راهکارهای

راهکارهای امام علی (ع) در خصوص «تربیت اجتماعی نوجوانان» پرداخته می‌شود و مباحث زیر مورد بررسی



که یاد شد، اهداف متوسطی می‌باشند که همه به یک نقطه نشانه رفته‌اند. حضرت علی (ع) هدف از تعاون و

همکاری را با یکدیگر، طاعت فرمان الهی معرفی کرده و می‌فرماید:

«فهلّم ایّها النّاس الی التّعاون علی طاعة الله عزّوجلّ و القیام بعدله و الوفاء بعهده و الانصاف له فی جمیع حقّه؟ ای انسانها! به سوی تعاون بر اطاعت خداوند عزّوجلّ و قیام به عدل او و وفاء به پیمان‌ش و انجام تمامی تکالیفی که خداوند بر بنده‌اش واجب نموده، بشتابید.»

در نتیجه، منطبق شدن با ارزشهای اصیل و هنجارهای صحیح جامعه و انصاف و

قرار می‌گیرد:

۱. روشهای تربیت اجتماعی نوجوانان.
۲. بایسته‌های تربیت اجتماعی نوجوانان.
۳. آسیب‌شناسی تربیت اجتماعی نوجوانان.

● روشهای تربیت اجتماعی نوجوانان

از مطالعه و تعمق در گفتارها و سفارش‌های حضرت علی (ع) به فرزندان‌ش می‌توان منشور جامعی از شیوه‌های تربیت اجتماعی نوجوان را استخراج کرد؛ از جمله:



الف) شناخت و استدلال

از کلمات و سیره امام علی (ع) در توصیه‌هایی که به فرزندانش در باب تربیت اجتماعی فرموده، استفاده می‌شود که ایشان اصرار دارند که فرزندان با موضوع دقیقاً آشنا شده و جوانب مختلف آن را مورد موشکافی قرار دهند. و حضرت خود بارها در توصیه‌های تربیت اجتماعی به استدلال و برهانهای مناسب مبادرت ورزیده است و این مطلب به انسان‌شناسی حضرت بازمی‌گردد؛ حضرت انسان را دارای عقل خلاق و مبتکر در نظر گرفته که برای رفتارهایش توجیه عقلانی جستجو می‌کند، برخلاف روش بکر که بر اساس محرک و پاسخ و تشویق و تنبیه، روش تربیتی خود را استوار کرده و قوه خرد آدمی را از نظر دور نگه داشته است.

حضرت به فرزندش امام حسن (ع) می‌فرماید: «و استدلال علی ما لم یکن بما کان فائماً الأمور اشباه^۷؛ بر اموری که هنوز محقق نشده، به واسطه اموری که تحقق یافته، استدلال کن زیرا امور، شبیه یکدیگرند.»

حضرت برای مباحث تربیتی، فرزندش را سفارش به استدلال کرده و روش آن را به او آموخته است.

ب) شیوه موعظه

امام علی (ع) برای تربیت فرزند در عرصه‌های اجتماعی، گاه به موعظه و نصیحت پرداخته و با لحنی آکنده از مهر و محبت و دلسوزی، به راهنمایی فرزند خود همت گماشته است. در بیشتر نصایح و مواعظ حضرت عبارت «یا بنی! ای فرزندم!» مشاهده می‌شود؛ از جمله: «ای بنی ائی لما رأیتی قد بلغت سنّاً و رأیتی ازداد وهناً بادرْتُ بوصیّتی الیک و اوردتُ خصالاً منها قبل أن یجعل بی اجلی،^۸ پسر جان! چون نگرستم که پا به سال نهاده‌ام و روز به روز سستی و ضعفم می‌افزاید، چنان دیدم که اندرزا و سفارش‌های لازم را به تو بگویم، پیش از آنکه دست اجل گریبانم را بگیرد.»

ج) الگوپذیری

یکی از بهترین راههای تربیت اجتماعی نوجوان، ارائه الگوی مناسب و شایسته است؛ قرآن کریم وجود مقدس پیامبر را بهترین الگوی انسانها بیان کرده و می‌فرماید: ﴿لقد کان لکم فی رسول اللّٰه اسوةٌ حسنةٌ﴾^۹؛ برای شما در شخصیت رسول خدا (ص) الگوی نیکویی است.

به طور کلی، الگوها نقش تعیین کننده‌ای در رشد یا انحطاط انسانها دارند، و معمولاً انسان تمایل دارد در تمامی گفتار و کردار و حرکات و سکونات، از مقتدا و الگوی خود



تبعیت نماید.

برای اینکه فرایند تربیت اجتماعی تسهیل گردد، می‌بایست الگوهای اجتماعی مناسبی برای نوجوان ترسیم کرد تا او بتواند با آنها ارتباط عاطفی ایجاد کرده و مجذوب او گردد. کودکان می‌بایست ارزشهای موجود را در رفتار والدین و مربیان خود تجسم ببینند.^{۱۰}

حضرت علی علیه السلام با توجه به این اصل بنیادین، می‌فرماید: «ولیتأس صغیرکم بکبیرکم و لیروؤف کبیرکم بصغیرکم و لا تکنونوا کجفأة الجاهلیة لا فی الدین تتفقهون و لا عن الله تعقلون»^{۱۱}؛ می‌بایست کوچکترها به بزرگترها تاسی و اقتدا نمایند و بزرگترها باید به کوچکترها مهربانی کنند و مانند جفاکاران جاهلیت نباشید که نه در دین تفقه کنید و نه درباره خدا بیندیشید.»

د) رعایت اعتدال

انسان دارای ابعاد و حوزه‌های متعددی در رفتار اجتماعی است که دل‌باختگی به برخی عرصه‌ها و غفلت از دیگر موارد، موجب رشد نامتعادل و در نتیجه نقصان شخصیت اجتماعی خواهد شد. کار، عبادت، درس خواندن، دوستی، تفریح، مسافرت و... مقولاتی است که انسان در زندگی با آنها برخورد دارد؛ طبقه‌بندی و قرار دادن هر یک در جایگاه خود، می‌تواند زندگی شیرین و آرام

و در عین حال با نشاطی را برای انسان به همراه داشته باشد. امیرمؤمنان علیه السلام در این زمینه می‌فرماید: «علیک بالتصد فی الأمور فمن عدل عن التصد جار و من اخذ به عدل»^{۱۲}؛ بر تو باد در تمامی کارها میانه روی را پیشه سازی، پس هر کس از اعتدال و میانه‌روی تجاوز نماید، ستم کرده و کسی که راه اعتدال در پیش گیرد، عدل را رعایت نموده است.»

حضرت در هنگام شهادت به فرزندش خطاب می‌کند: «واقصد فی معیشتک و اقتصد فی عبادتک»^{۱۳}؛ در امور زندگی و انجام عبادت، معتدل و میانه‌رو باش.»

ه) مشورت

مشورت در کارها، موجب شکوفایی استعدادهای درونی افراد شده و زمینه الفت و مهربانی آنها را آماده می‌سازد. قرآن کریم به پیامبر اکرم دستور می‌دهد که در امور مربوط به مردم، با آنها مشورت نماید. ﴿و شاورهم فی الأمر﴾^{۱۴}

باید به نوجوان آموخت که در امور پیچیده اجتماعی از سر خامی برخوردار نکند و پیوسته از نظرات و افکار دیگران استفاده نماید. حضرت علی علیه السلام در مورد اهمیت مشورت می‌فرماید: «الاستشارة عین الهدیة و قد خاطر من استغنی برأیه»^{۱۵}؛ مشورت و نظرخواهی از دیگران، عین هدایت است و

مشورت

کسی که تنها به فکر خود اعتماد نماید، خوشتن را به خطر انداخته است.» حضرت در سفارش به فرزندش امام حسین علیه السلام می‌فرماید: «من استقبل وجوه الآراء عرف مواقع الخطاء»^{۱۶}؛ هر کس در مسائل زندگی در چهره نظرات گوناگون نیک بنگرد، مراکز اشتباه را دریابد.»

وقتی انسان نظرات مختلف پیرامون یک موضوع را مطالعه کند و آنها را با یکدیگر مقایسه نماید، می‌تواند راه صحیح را تشخیص داده و خطاها را شناسایی و از آنها پرهیز کند.

(و) تجربه تاریخی

مطالعه تاریخ و درک تجارب ارزنده‌ای که از زندگی گذشتگان به دست می‌آید، می‌تواند چراغ فروزانی برای مسیر آینده انسان ترسیم کند. یافتن علل و عوامل رشد و انحطاط گذشتگان و تفکر در عاقبت زندگی آنان، در تربیت اجتماعی بسیار اهمیت دارد. بر همین اساس، امام علی علیه السلام به فرزندش امام حسن علیه السلام مطالعه تاریخ و درس گرفتن از سرنوشت آنان را توصیه کرده است: «و اعرض علیه اخبار الماضین و ذکره بما اصاب من کان قبله و سرفی بلادهم و آثارهم و انظر ما فعلوا و این حلوا و عمن انتقلوا...»^{۱۷}؛ سرگذشت پیشینیان را بر آن (قلبت) عرضه کن، مصائب گذشتگان را به

یادش آور، در شهر و دیار و آثار آنان سیاحت کن و بنگر که چه کردند؟ کجا بار افکندند، از چه عزیزی دل شستند و رفتند؟!»

در جای دیگر، می‌فرماید: «من به اندازه گذشتگان عمر نکرده‌ام، ولی چندان در رفتار آنان نگریسته‌ام و در اخبارشان اندیشیده‌ام و در باقی مانده آثارشان سیر کرده‌ام، که همانند یکی از آنان گشته‌ام. بلکه چون از همگی اخبارشان آگاهی یافته‌ام، گویی از اول تا به آخر همراهشان بوده‌ام، و روشنی‌ها را از تیرگی‌ها و سودها را از زیان‌ها بازشناخته‌ام و از هر چیز، گزیده‌اش را ویژه تو ساختم.»^{۱۸}

آری، حضرت با این روش می‌خواهد تجارب ارزشمند گذشتگان را در کوتاه‌ترین زمان ممکن در اختیار فرزندش قرار دهد تا او با انتخاب راه صحیح، آینده خویش را درخشان سازد.

(ز) زمان شناسی

هر کاری را نمی‌شود در هر زمانی انجام داد؛ هر زمانی را برای عملی ساخته‌اند و از این روی می‌بایست تناسب فعل و زمان و مقتضیات آن را در نظر گرفت.

تربیت - به ویژه در عرصه اجتماعی آن - به زمان و وقت مناسب خود احتیاج دارد تا شکوفایی لازم را پیدا کرده و موجب رشد شخصیت آدمی گردد.

حضرت علی علیه السلام با درک عمیق



«زمان‌شناسی» به فرزند خود یادآور می‌شود که این فرصت نوجوانی برای رشد و تربیت تو بسیار مناسب است و باید از آن بهره‌کافی ببری. آن حضرت می‌فرماید:

«و رأيت حيث عناني من امرک ما يعني
الوالد الشفيق و اجمعت عليه من ادبک
ان يكون ذلك و انت مقبل العمر و مقبل
الدهر ذونية سليمة و نفس صافية؛^{۱۹} پس
آن‌گونه که پدری مهربان نیکی‌ها را برای
فرزندش می‌پسندد، من نیز بر آن شدم تو را
با خوبی‌ها تربیت کنم؛ زیرا در آغاز زندگی
قرارداری، تازه به روزگار روی آورده‌ای، نیتت
سالم و روحی باصفا داری.»

و در جای دیگر، می‌فرماید:

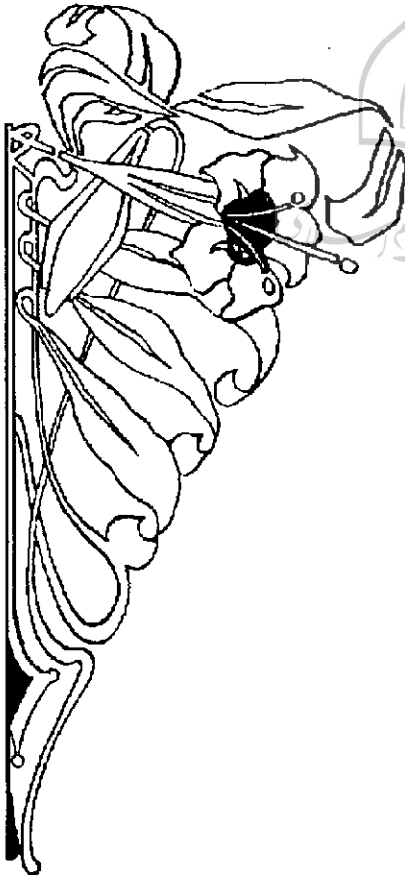
«و اَمَّا قلب الحدث كالارض الخالية ما
التى فيها من شىء قبلته فبادرتك بالادب
قبل ان يقسوا قلبك و يشتغل لُبک^{۲۰}؛ همانا
قلب نوجوان همچون زمین ساده‌ای است که
هر بذری را می‌پذیرد. من پیش از آن‌که قلب
تو سخت و عقلت (به مطالب گوناگون) گرفتار
و مشغول گردد، به تربیت تو مبادرت کردم.»

پی‌نوشت‌ها:

۱. تحف العقول، ص ۹۲.
۲. همان، ص ۸۳.
۳. ماهنامه تربیت، مقاله «اصول تربیت اجتماعی کودکان دبستانی»، سال دهم، فروردین ۱۳۷۴، ص ۲۴.
۴. جامعه و تعلیم و تربیت، ص ۱۸۶ و ۱۸۷.
۵. ذاریات / ۵۶.
۶. نهج السعادة فی مستدرک نهج البلاغه، ج ۲، ص

۱۸۱

۷. تحف العقول، ص ۸۵.
۸. نهج البلاغه، دشتی، ص ۵۲۲ - ۵۲۰.
۹. احزاب / ۲۱.
۱۰. پرورش مذهبی و اخلاقی کودکان، ص ۲۶۴.
۱۱. بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۱۶۹.
۱۲. غررالحکم، ص ۴۸۰.
۱۳. بحار الانوار، ج ۴۲، ص ۲۰۳.
۱۴. آل عمران / ۱۵۹.
۱۵. بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۱۰۰.
۱۶. تحف العقول، ص ۹۲.
۱۷. نهج البلاغه، صبحی صالح، ص ۳۹۲.
۱۸. همان، ص ۳۹۳ و ۳۹۴.
۱۹. نهج البلاغه، ص ۵۲۲ و ۵۲۳.
۲۰. همان.



کتابخانه